

# کاروانسرای

## دیرگچین

محمد رضا ریاضی

دیرگچین نام دژ و کاروانسرای است بسیار استوار و پرشکوه که به نام‌های دژ کردشیر، دیر الجص، قصر الجص، دیرگچین در منابع مختلف از آن یاد شده و در قرون و اعصار مختلف منزلگاه بسیار مهمی بر سر راه‌های قم بهری، قم بهورامین، قم و ساوه به طرف خراسان و برعکس بوده است، این بنا در حدود ۶۰ کیلومتر خط‌هوایی و ۹۰ کیلومتر راه زمینی با تهران فاصله دارد.

مطالعات مقدماتی صورت گرفته توسط محققین قدمت این بنا را به دوره ساسانی نسبت می‌دهد ولی به احتمال زیاد این اثر از سابقه طولانی‌تری برخوردار است.

دیرگچین در دوره صفوی به صورت اساسی تجدید بنا گردیده و از نظر ظاهری بنائی صفوی را می‌نماید. از این بنا کم و بیش تا اواسط دوره قاجار استفاده می‌شده ولی بعد از تغییر مسیر جاده ری به قم (در سال ۱۲۶۴ هـ)، از این محل به مسیر فعلی به تدریج متروک گردید و در حال حاضر تنها چند خانوار شتردار و دامدار از تعدادی اطاق‌های آن برای سکونت خود و دامها به صورت فصلی استفاده می‌کنند.

در حال حاضر این بنای بسیار مهم از سه جهت در معرض تخریب قرار گرفته است:

۱- فرسایش شدید آجرهای ضربی سقف‌ها و روی دیوار به علت از بین رفتن پوشش روی آنها.

۲- خوردگی و فرسایش شدید پی‌ها از سطح زمین تا ارتفاع دومتري بر اثر انتقال انواع نمک‌ها و کانی‌های طبقات زمین از اعماق به سمت بالا توسط آب‌های زیرزمینی و نفوذ آنها به داخل پی‌ها و دیوارها.

۳- تخریب بنا توسط حفاران غیرمجاز. این حفاران برای به دست آوردن آثار، اقدام به حفاری‌های خطرناکی در نقاط مختلف بنا از جمله در زیر برج شرقی، سردر ورودی و داخل اطاق‌ها نموده‌اند که صدمات بسیاری به ساختمان وارد آورده است.

کتاب و مقالاتی که در زیر معرفی می‌گردند حاوی مطالعات باستان‌شناسی و معماری است که تاکنون درباره این کاروانسرا انجام گرفته است.

۱- مجله باستانشناسی و هنر شماره ۴ پاییز و زمستان ۱۳۴۸. مقاله دژ کردشیر آقای عبدالحسین گردنیا صفحه ۸۵  
۲- فهرست کاروانسراهای ایران - جلد اول صفحه ۸۴-۸۵ در مورد موقعیت جغرافیائی و نقشه بنا در این کتاب به مقاله دیگری در باره دیرگچین اشاره شده

- Mehrdad Shokeohy, *The Sasanian Caravansarai of Dayrei Gachin*

- *Art and Archaeology research papers, No. 17, 1980.*

که این ماخذ صحیح نیست و به صورت زیر اصلاح می گردد:  
*Mehrdad Shokoohy, The Sasanian Caravansari of Dayr-i Gachin, south of Ray, Iran. Bulletin of the School of Oriental and African studies, University of London. Vol. xlvi Part 3, 1983, P. 445.*

### ● راه ارتباطی به دیرگچین<sup>۱</sup>

بعد از شهری و در مسیر جاده تهران قم، پس از عبور از گردنه حسن آباد (کوه اراده) به محلی به نام گلوگاه کمیده که یک قرارگاه انتظامی است می رسیم. از این نقطه و در روبروی ما، دشت نسبتاً وسیعی وجود دارد که رودهای کرج و شور از غرب به شرق از میان آن می گذرند و جاده تهران - قم نیز از شمال به جنوب در آن امتداد دارد. در انتهای جنوبی این دشت کوهی به شکل دوزنقه خودنمایی می کند که کوه مره نام دارد.

از کنار قرارگاه انتظامی یک جاده فرعی اسفالتی از جاده اصلی جدا شده و به سمت شرق و به موازات کوههای کم ارتفاع اراده امتداد می یابد و در سمت جنوب این جاده و در دشت مزبور اراضی کشاورزی گسترش دارند. این جاده پس از طی ۱۲ کیلومتر به خط مستقیم به روستای کوچک محمدآباد

می رسد. در این روستا جاده با چرخی قائم الزاویه به سمت جنوب تغییر جهت می دهد. روستای محمدآباد در پیچ این جاده واقع شده. در کنار این روستا یک تپه باستانی مشاهده می شود که تپه محمدآباد نام دارد و از نظر قدمت به ادوار پیش از تاریخ تعلق دارد. جاده بعد از عبور از این روستا و در امتداد جنوب شرقی پس از طی مسیری به روستای انیس آباد می رسد که در کنار این روستا نیز یک تپه باستانی به نام همین روستا مشاهده می شود و سپس به روستای خمار آباد که تقریباً با قرارگاه انتظامی ۲۴ کیلومتر فاصله دارد رسیده و بعد از طی حدود ۵ کیلومتر به روستای زلف آباد وارد می شود، در این روستا جاده اسفالتی تمام شده و خاکی می شود، پس از طی مسافتی به روستای متروکه بلقیطاس که دو خانوار جمعیت دارد امتداد یافته و پس از عبور از این روستا از غرب روستای مهم حاجی آباد سالار گذشته و به رودخانه کرج می رسد که اندک آبی در آن جریان دارد، جاده در روستای بلقیطاس از جهت جنوب شرقی به سمت جنوب و جنوب غربی تغییر مسیر می دهد و به ویرانه های کاروانسرای قاچاری که در ۲ کیلومتری این روستا قرار دارد می رسد. بعد از این کاروانسرا جاده وارد دشت کویر نمک می شود. از این نقطه به بعد جاده شکل مشخصی ندارد و چندین جاده جیپرو مشاهده می شود<sup>۲</sup> و تنها جای چرخهای وسایط نقلیه صحرائی که قبلاً از این محدوده گذشته اند راهنمای عبور می باشند. در این نقطه کوه مره که در طرف غرب جاده قرار دارد می تواند راهنمای عبور در جهت جنوب غربی باشد. جاده بعد از عبور از چند تپه. ماهور به رود شور می رسد که در واقع آغاز گودال حوض سلطان می باشد. از این نقطه به بعد جنس سطح زمین و نوع پوشش گیاهی تغییر می یابد و از خاکهای شنی به خاکهای

(۱- دیر: ظاهراً" به معنی محل و مکان میباشد. آقای حسین کریمان می نویسد دیر در فارسی بمعنای گنبد است (ری باستان جلد ۲ صفحه ۵۵۰) در لغت نامه دهخدا خانه ای که راهبان در آن عبادت کنند و غالباً" از شهرهای بزرگ بدور است و در بیابانها و قله ها برپا میگردد. در این ناحیه جدا از دیر گچین روستای گاج را نیز دیر گاج نوشته اند (فرهنگ جهانگیری).  
۲- از این نقطه به بعد چندین جاده جیپرو وجود دارد که از نواحی ورامین - حاجی آباد سالار و زلف آباد به سمت جنوب و جنوب شرق امتداد دارند و مورد استفاده آنها برای استخراج معادن و یا برای حمل آب و علوفه جهت دامداری های مستقر در این نواحی میباشد.

رسی تبدیل می‌شود و پوشش گیاهی نیز از بوت‌زارهای تنگ به جنگلهای تقریباً "متراکم" تغییر منظر می‌دهد. جاده نیز کماکان در جهت جنوب غربی از میان جنگلهای گز می‌گذرد. بعد از طی چند کیلومتر، دیرگچین که در جنوب شرق و به موازات کوه مره قرار دارد از دور نمایان می‌شود و سرانجام جاده به محل دیرگچین می‌رسد. از این نقطه به سمت جنوب جاده‌ای مشاهده نمی‌شود. ضمن اینکه به دلیل مسطح بودن ناحیه می‌توان با وسایط نقلیه صحرائی حرکت نمود. (نقشه شماره ۱)

### ● اوضاع اقلیمی و طبیعی

مطالعه اوضاع اقلیمی و طبیعی حاکم بر این ناحیه از نقطه نظر باستانشناسی و اقدامات حفاظتی پیرامون این دیرحائز اهمیت می‌باشد که بطور اختصار به آن اشاره می‌شود. ناحیه فوق جزء مناطق خشک کره زمین و جزء تیپ

اقلیمی *BW* یا اقلیم بیابانی خشک طبقه‌بندی می‌شود که از ویژگی آن گرمای زیاد، اختلاف زیاد درجه حرارت بین روز و شب و در طول سال می‌باشد. بارندگی سالیانه کم و حدود ۴۰ تا ۵۰ میلی‌متر در سال و تغییرات آن در طول سالهای مختلف از دیگر مشخصات آن است.

به علت بارندگی کم سالیانه، آب به مقدار کافی در خاک نفوذ نمی‌کند و در نتیجه خاک مستعد، برای رویش گیاه به وجود نمی‌آید و تنها گونه‌های خاص گیاهی چون گز و طاق که با این نوع آب و هوا سازگارند می‌توانند رشد یابند. از این نظر ناحیه مورد بحث فاقد امکانات طبیعی برای فعالیتهای کشاورزی می‌باشد.

از نظر طبیعی این ناحیه قسمتی از یک حوضه رسوبی بسته تبخیری به نام کویر بزرگ نمک در ایران مرکزی است که به عنوان یکی از دو حوضه رسوب‌گذاری در ایران شناخته می‌شود.<sup>۱</sup> که از نظر زمین‌شناسی جزء تشکیلات قم طبقه‌بندی



ویرانه‌های بلقیطاس در شمال و در مسیر راه دیرگچین ۸

۱- کویر نمک و کویر لوت با ارتفاعی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ متر از سطح دریا و در مقایسه با ارتفاع سطح عمومی فلات ایران که حدود ۲۰۰۰ متر است بعنوان حوضه‌های مشخص رسوب‌گذاری محل تجمع و انباشت رسوبات ارتفاعات پیرامون آنها است که از طریق رودهای منتهی به آنها حمل می‌شود. ◀



می شود و ضخامت رسوبات آن به ۱۲۰۰ متر می رسد که از ۹ بخش تشکیل شده و مواد سازنده این رسوبات عبارتند از سنگهای آهکی، آهک ماری و لایه های تبخیری (گچ) و سن این رسوبات از اواخر اولیگوسن<sup>۱</sup> تا اواخر میوسن<sup>۲</sup> تخمین زده می شود که بیشتر آن متعلق به دوره میوسن می باشد. فعالیت های تکتونیکی زمین در این ناحیه سرانجام در عصر پلیوسن<sup>۳</sup> - پلیستوسن<sup>۴</sup> (فاز پایانی چین خوردگی آلپ) پایان می پذیرد و منظر کنونی ناحیه که اکنون ما شاهد آن هستیم شکل می گیرد. پی آمد این عصر شروع یک فاز شدید فرسایشی رسوبی است که تاکنون همچنان ادامه دارد و رسوبات عصر کوآترن<sup>۵</sup> (رسوبات دوران چهارم) را به وجود آورده است. این رسوبات دارای بافت سست بوده که به صورت رسوب های تبخیری سنگهای گچی و نمکی همراه با مارون های شور رسوب گذاری نموده اند. بیشترین مواد سازنده این رسوبات که ناشی از جنس سنگ مادر (رسوبات عصر پلیوسن - پلیستوسن) است عبارتند از انواع کربنات ها مانند کربنات سدیم و کلسیم، کلرور پتاسیم و سولفات کلسیم، منیزیم و سدیم.

وجود سفره های آب های زیرزمینی در این ناحیه باعث می شود این مواد به همراه آب در فصل گرما به سمت بالا حرکت کنند و همراه تبخیر آب مقدار فراوانی از نمک های فوق به سطح زمین آورده شود.

این مواد به هنگام حرکت به سمت بالا و ترکیب با آب و گاز کربنیک تولید اسید نموده و اسید حاصل مجدداً با همین مواد تولید نمک های جدید می نمایند که خوردگی پایه های دیوار، دیرگچین ناشی از این فعل و انفعالات است. همانطور که اشاره شد، ناحیه ای که دیرگچین در آن واقع شده تقریباً "از آغاز دوران چهارم زمین شناسی فرم و شکل کنونی را به خود گرفته و دیگر دچار تحولات زمین شناسی نشده و تنها فرسایش شدید و رسوبات رودخانه های منتهی بدان، منظر ناحیه را شکل می دهند. باید توجه داشت که این ناحیه نسبت به سطح عمومی فلات ایران از ارتفاع کمی برخوردار است و به صورت یک حوضه پست رسوب گذاری عمل می کند و رسوبات رودهای کرج، شوروقره چای و قم رود دائماً بر سطح این ناحیه می افزایند.

در دوران چهارم همزمان با عقب نشینی دوره های یخچالی به نواحی شمالی تر رودهای منتهی به این حوضه پست که خود بقایای دریای قدیمی تری است از آب فراوان تری برخوردار بوده اند و بقایای این دریای قدیمی را تاکنون حفظ کرده اند که نمونه های آن دریاچه نمک در جنوب شرق دیرگچین و برکه های متعدد دیگر و همچنین دریاچه باستانی ساوه<sup>۶</sup> در غرب دیرگچین می باشد. از روی نقوش پرندگان دریائی بر روی سفالهای تپه سیلک، چشمه علی و تپه زاغه می توان چنین استنباط کرد که در این ناحیه که از قزوین

ضمن اینکه فرسایش شدید بعلت بافت سست ناحیه و حرکت رسوبات توسط باد، عامل دیگری در

جهت تغییر دائمی منظر طبیعی ناحیه می باشد

1- Oligocene

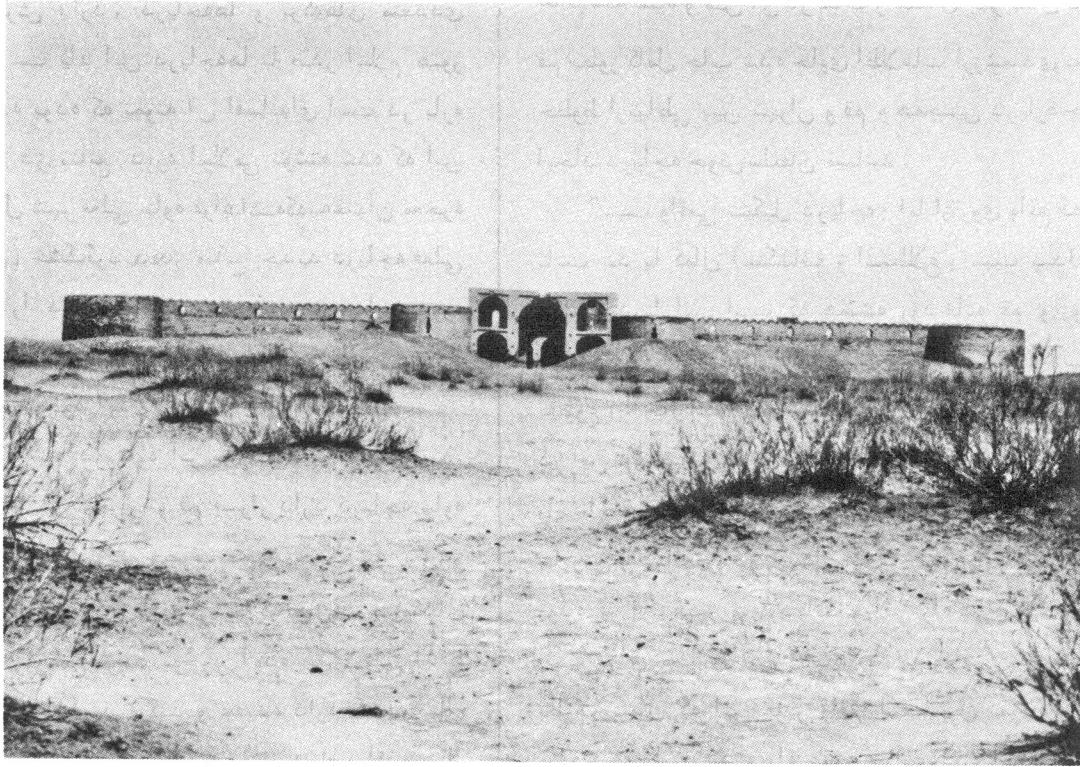
2- Miocene

3- Pliocene

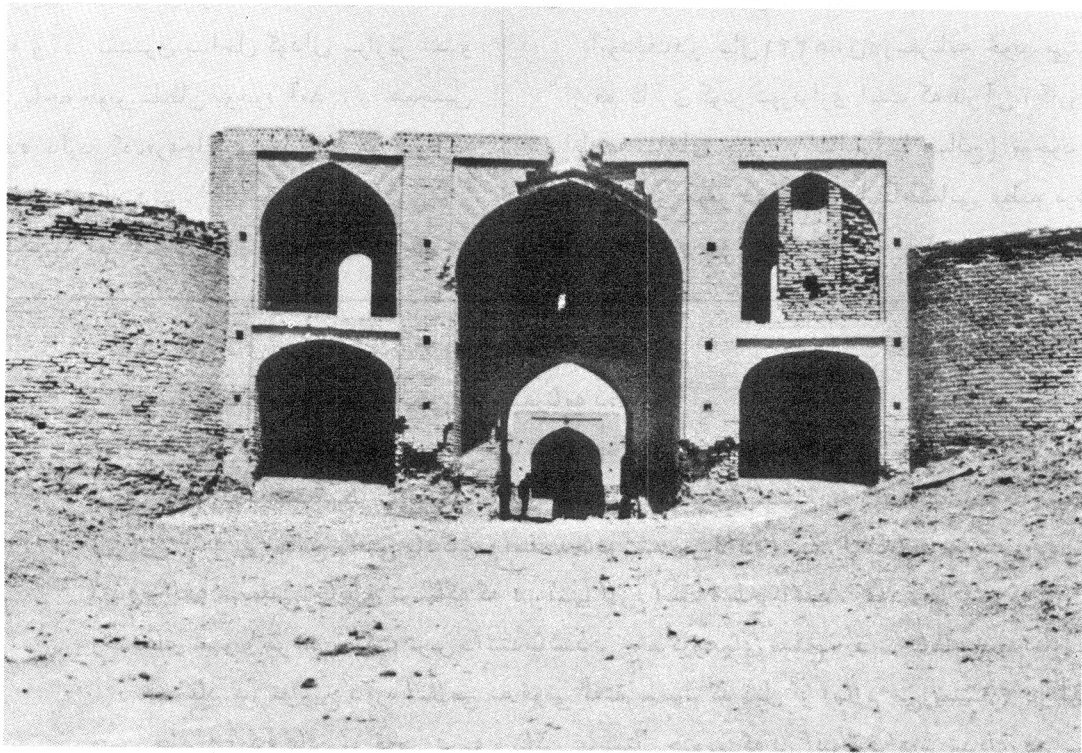
4- Pleistocene

5- Quaternary.

۶- نام این دریاچه در منابع دوره اسلامی ذکر شده و حمداله مستوفی درباره آن می نویسد: "هرزه آب رودمزدقان که از گوه های همدان سرچشمه می گیرد در جاهلیت در بحیره ساوه جمع میشد و اکنون بمعجزه حضرت رسول آن بحیره خشک شده و آنجا شهر ساوه ساخته اند. نزهت القلوب صفحه ۶۲ و ۳۲۲ در منابع دوره قاجار و منابع جدید دریاچه فعلی شمال قم را که به استناد منابع قاجاری در سال ۱۸۸۵ م (۱۲۶۴ ه. ق.) بوجود آمده دریاچه حوض سلطان یا دریاچه ساوه نوشته اند. بهر حال به استناد گفته حمداله مستوفی و منابع دوره قاجار دریاچه ساوه غیر از دریاچه فعلی حوض سلطان میباشد. رجوع کنید به دایره المعارف فارسی و فرهنگ معین ذیل دریاچه حوض سلطان.



منظره عمومی ورودی کاروانسرای دیرگچین - دید از سمت جنوب A



نمای ورودی کاروانسرا A

تا کاشان گسترش دارد، دریاچه‌ها و برکه‌های متعددی وجود داشته است یاد این دریاچه‌ها تا صدر اسلام هنوز در خاطره زنده بوده که نمونه آن افسانه‌ای است در باره دریاچه ساوه. در منابع دوره اسلامی نوشته شده که این دریاچه در محل شهر فعلی ساوه قرار داشته که به عنوان معجزه رسول اکرم (ص) خشک گردیده در منابع جدید دریاچه فعلی حوض سلطان را دریاچه ساوه نوشته‌اند در منابع دوره قاجار ذکر شده است که این دریاچه در سال ۱۸۸۵ م (۱۲۶۴ هـ. ق) به وجود آمد.

ناصرالدین شاه در باره این دریاچه می‌نویسد . . . دریاچه‌ای که بین تهران و قم قرار دارد دریاچه ساوه است . . . که در روز تولد حضرت محمد خشک شد . . . و شاه عقیده دارد که این دریاچه از آبی که بصورت چشمه‌های زیادی که از کویر می‌جوشد بوجود آمده . . . ولی ا. ه. شیندلر نوشته شاه را رد میکند و عقیده دارد که در سال ۱۸۸۳ م قسمتی از سدهای ساحل غربی قره‌چای پائین‌تر از پل دلاک به خاطر بالا آمدن سطح آب آسیب دید بطوریکه آب رودخانه بطرف شمال حرکت کرده و برآمدگی بین حوض سلطان و پل دلاک را پر کرده است. سال بعد شکاف سد بیشتر شده و آب بیشتری بداخل گودال سرازیر شد و بدین ترتیب دریاچه حوض سلطان بوجود آمد . . . همچنین بیدولف عقیده دارد که قره‌چای و رودخانه قم دریاچه حوض سلطان را بوجود آوردند.<sup>۱</sup>

سفرنامه ذهابیه قم یا علی‌آبادنامه که در سال ۱۳۰۴

ه. نوشته شده و متن آن در کتاب راهنمای جغرافیای تاریخی قم بطور کامل چاپ شده حاوی اطلاعات ارزشمندی پیرامون خطوط ارتباطی بین تهران و قم و همچنین درباره چگونگی ایجاد دریاچه حوض سلطان میباشد.

"سبب واقعی تشکیل دریاچه: اما از روی واقع که حسا" ثابت شد با کمال استکشاف و استطلاع: سبب پیداشدن و تشکیل دریا این است که همیشه رودخانه قم و رودخانه شور در فصل تابستان و پاییز خشک میشد و آب آنها مقطوع، الحال شش سنه است که آب هیچ‌یک از این رودخانه‌ها در این دو فصل مقطوع نشده و نیز در کویر سدی یا جاده‌ای را ساخته بوده‌اند با سنگ بوضع محدب، بجهت عبور عابریین و مسافریین در زمستان که کویر گل و آمد و شد مشکل بوده بر آن عبور می‌کرده‌اند و این راه ساخته سدی بوده است برای مجاری این آب‌ها که به ورامین می‌رفته، آب بطرف شمال که این کویر واقع است میل نموده، بواسطه مرور دهور این سد و راه عبور خراب شده آب رودخانه‌ها میل به این طرف نموده و دریاچه تشکیل یافته<sup>۲</sup>."

#### ● دیرگچین در منابع و متون

ابودلف در سال ۳۴۱ هـ. ق در سفرنامه خود می‌نویسد: "از قم تا ری کویر شوره‌زاری است که در آن، کاروانسرا و مناظر و بناهای خیر، (مصالح<sup>۳</sup> یا مسالح) موجود است. در میان این کویر دژ بزرگی با ساختمانی عظیم مربوط به زمان عاد<sup>۴</sup> وجود دارد که دیر کردشیر نامیده میشود.

۱- گویرهای ایران. صفحات ۵۴۹ تا ۵۵۳

۲- راهنمای جغرافیای تاریخی قم. سفرنامه ذهابیه.

۳- شکل صحیح این کلمه مسالح میباشد و مصالح به معنی مصلحت‌ها و یا مواد و مصالح ساختمانی در این عبارت درست بنظر نمی‌رسد. این اشتباه به گرات توسط کاتبین رخ داده است. آقای مینورسکی نیز این کلمه را مسالح بمعنی پادگان و اسلحه‌خانه تشخیص داده است. لغت‌نامه معین در ذیل مسالح آمده، الف- بمعنی جاهای ترسناک که در آنها لازم است مسلح باشند. ب- جاهائی که در آنها از رخنه‌های شهر و سرحد مملکت ترس داشته باشند. ج- گروه‌های مسلح. د- جاهای دیده‌بان.

۴- عاد در تواریخ دوره اسلامی به قومی گفته میشود که قبل از اسلام می‌زیستند. در لغت‌نامه معین جلد ۵ آمده عاد نام قومی عرب و ساکن عربستان جنوبی که در ادوار فراموش شده‌ای می‌زیستند و هود پیغمبر از این قوم بود و طبق روایات بنفرین وی، باد تند آن قوم و کشورشان را از بین برد. ذکر کلمه عاد در این عبارت قدمت محل را بازگو میکند.

این دژ دارای برج‌های بسیار بزرگ و بلند و حصار ضخیم و مرتفع است که از آجرهای بزرگ ساخته شده است. در داخل دژ ساختمان‌های مستطیل و سقف‌های ضربی دیده می‌شود. مساحت محوطه آن دوجریب یا بیشتر است. بر یکی از ستونهای دژ نوشته شده "نصف هر یک از آجرهای این کاخ با یک درهم و دوسوم درهم و سه رطل نان و یک دانق (یک‌ششم درهم) ادویه و یک بطر شراب ناب انجام شده هرکس باور ندارد، اگر بخواهد سر خود را به ستون‌ها بکوبد" اینجا دیر الجص معروف به دیر گچین است و اطراف آن آب‌انبارهای بزرگ که در میان سنگ حفر شده وجود دارد. در دیر هیچ اثری از ایرانیان موجود نیست زیرا اعراب آثار فارسیان را از بین برده و ساختمان‌های آنرا ویران نموده‌اند.<sup>۱</sup>

مینورسکی شرحی برای این متن نوشته و می‌گوید: "این محل در معجم‌البلدان (جلد ۲ صفحه ۶۹) و در آثارالبلاد قزوینی (جلد ۲ صفحه ۲۴۸) تحت عنوان دیر کردشیر ذکر شده (شاید کرد اردشیر باشد زیرا این دیر بدست اردشیر ساخته شده). در المسالک‌الممالک استخری صفحه ۲۹۹ و ابن‌حوقل صفحه ۲۸۹ و مقدسی صفحه ۴۸۱ هر یک فاصله‌های میان "ری" و "دیزه"، دیر "الجص" دیر گچین را یک منزل<sup>۲</sup> (مرحله) میدانند (برای اطلاع بیشتر به کتاب *Iran in Mittelalter - Ruten* - *orient Schwarz. P 933\_4* رجوع شود) توصیف استخری درباره این مکان کاملاً بجا و متین است در میان دیزه و دیر الجص بیابانی است که روبروی کرکس‌کوه و سیاه‌کوه

قرار گرفته و دیر الجص کاروانسرای است که با آجر و آهک بنا شده و گارد سلطنتی (بدرقه‌السلطان) در آنجا اقامت دارند. این مکان منزل مسافری است و درخت و کشتزاری در آنجا یافت نمی‌شود. در آنجا چاه آب شوری موجود است که بکار آشامیدن نمی‌خورد و در بیرون این دیر دو آب‌انبار است که آب باران در آن نگهداری می‌شود این دیر را از دو طرف بیابان احاطه نموده مقدسی فقط می‌افزاید "آجرهای دیر پخته و به اندازه آجرهای خام بسیار بزرگ است محل مزبور وسیع و مناسب است و در دروازه رباط مردی آجر می‌فروشد" این رباط در زمان مقدسی در حال ویرانی بوده است. چون مرداب کنونی میان تهران و قم بیش از قرن نوزدهم وجود نداشته حاده آنجا بخط مستقیم بوده و در فاصله دوینجم آن از طرف ری و درست در سمت جنوبی آن خرابه‌های کاروانسرای واقع در میان دو تپه کشف شده که گمان می‌رود محل دیر الجص باشد و رجوع کنید به کتاب: *Stahl, Petermanns mittlungen, Ergantungshet.*<sup>۳</sup> استخری در سال ۳۴۰ ه.ق در وصف بیابان فارس و خراسان و دیر الجص می‌نویسد "این بیابان غیرمسکون است و هیچ قومی در این بیابان نباشند و پیوسته این بیابان جای دزدان و راهزنان باشد و پیوسته خالی باشد. در این بیابان بی‌راهنما راه دشوار توان بردن ... در این بیابان دشوار توان رفت مگر به اشتر و اما کاروان ستور جز به راهی معروف و جایی‌کی آب بود نتوان گذشت و دزدان را مساوی گاهها باشدکی آنرا ندانند، میعادگان ایشان بودکی آنجا گرد آیند ... یکی از آن را کرکس‌کوه<sup>۴</sup>

۱- سفرنامه بودلف صفحه (۷۱ تا ۷۲).

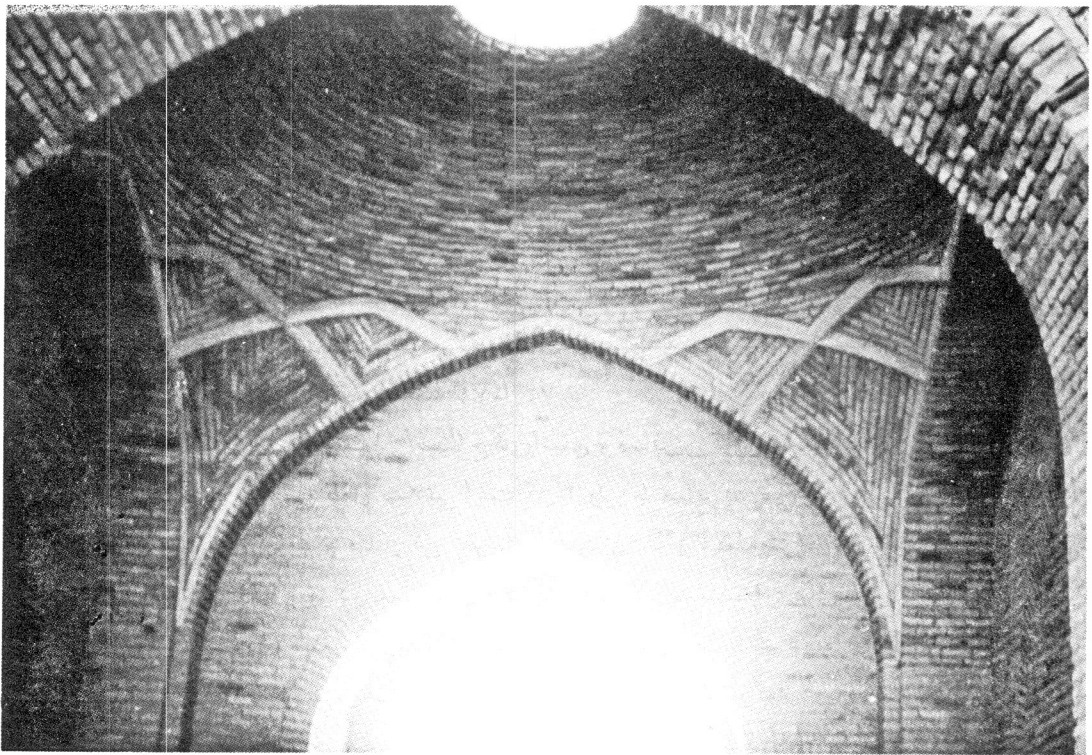
۲- منزل یا مرحله در اصطلاح کاروانیان و مسافرین قرون گذشته بمعنی توقف‌گاه و محل فرود آمدن است و یا بعبارتی طول مسافتی است که کاروان یا مسافر در طی یک روز یا یک شب از نقطه‌ای به نقطه دیگری طی می‌نماید و مقدار آن تقریباً "حدود ۳۵ تا ۴۵ کیلومتر است و تغییرات مسافت طی شده ناشی از تغییرات طول روز در عرض سال و همچنین بستگی به ناهمواری‌های طول مسیر دارد.

۳- استنباط مینورسکی که مبتنی بر کتاب مورد اشاره می‌باشد در مورد محل دیر الجص درست نیست.

۴- براساس شرح استخری و نقشه کتابش ظاهراً "کرکس‌کوه همین سیاه‌کوه فعلی است که در شرق دیر گچین و در جنوب شرقی ورامین و در شمال دریای نمک قرار دارد و نباید آنرا با کوه کرکس که جنوب غربی گاشان قرار دارد اشتباه کرد و سیاه‌کوه را باید با کوه مره و ارتفاعات گوشک نصرت فعلی تطبیق کرد که در غرب دیر گچین قرار دارد چه مسافت ذکر شده در کتاب استخری با این دو هماهنگی



منظره داخلی دیرگچین A



هشتی ورودی کاروانسرا A

خوانند. از کوههای گسسته است و چهار سو بیابان دارد و گرداگرد این کوه دو فرسنگ بیش نبود. و در میانه این کوه آبی هست آن آب بیده خوانند و کوه پیرامون این چشمه آب در آمده است و کوهی دشوار است و سیاه کوه کی به کوههای جبل پیوسته است و در این بیابان جای ده باشد " مولف در شرح راههای این ناحیه می نویسد. " از ری تا دزه ۱ یک مرحله و در این مرحله همه آبادانی است الا دو فرسنگ و از دزه تا دیر گچین یک مرحله، و چون به میان بیابان رسد در این مرحله کرکس کوه و سیاه کوه برابر باشد، و دیر گچین منزلگاهی است و چاه آب دارد لیکن شور باشد و آب باران خورند و دو برکه که بیرون دیر ساخته اند، و از دیر تا کاج ۲ بیابان است یک مرحله و حوضها ساخته اند از بهر آب باران و آب چاه شور بود. و از کاج تا قم یک منزل بیابان است تا دو فرسنگی قم آنجا دهی است و این دو فرسنگ هم بیابان بود. . . . و چون از ری به سپاهان روند کرکس کوه بر دست چپ ماند و سیاه کوه بر دست راست و سیاه کوه هم ماوای دزدان است و از کرکس کوه تا دیر گچین چهار فرسنگ دارند و از دیر گچین تا سیاه کوه پنج فرسنگ و از سیاه کوه تا کرکس کوه نه فرسنگ دارند و از کرکس کوه تا دزه هفت فرسنگ ۳".

ابن حوقل وصف دیر گچین را در فصل بیابان خراسان و فارس می آورد و می نویسد: در بیابان فارس و خراسان جز به راه شناسی و آگاهی از منازل و رباطهایی که برای راه پیمایان وقف شده نمی توان مسافرت کرد. این منزلها در سرمای سخت و برف و نیز در گرمای توان فرسا پناهگاه عابرانند و در آن جز در اطرافش

آبادی بسیار و سکنه دیده نمیشود. در این بیابان دزدان و راهزنان بسیارند زیرا در تصرف یک اقلیم نیست تا مردم آن اقلیم آن را محافظت کنند بلکه فرمانروایان مختلفی بدان مسلطاند. بخشی از این بیابان از اعمال خراسان و قومس و بخش دیگر از اعمال سیستان بخش دیگر از اعمال کرمان و فارس و اصفهان و قم و کاشان وری است. . . . دزدان این بیابان پناهگاهی دارند که در آنجا مخفی میشوند و اموال و ذخایر خود را پنهان می کنند. این پناهگاه جبل کرکس کویه نام دارد و کرکس نام بیابانی است در مجاورت ری و قم که به اندازه مسیر چند روز از آنها فاصله دارد و در مشرق آنها واقع است این کرکس کویه کوه بزرگی نیست و از جبال بریده شده و پیرامون بیابان است. . . . کوه کرکس کویه از مشرق به مغرب کشیده شده است و بوسیله راهی دشوار گذر و پر از تپه و دره به مسافت دو فرسخ به جبالی در ناحیه ری می پیوندد و از آنجا به جبال گیلان می رسد. . . . اما راه ری به شهر دزه که منبر ورود کوچکی با آب جاری دارد یک منزل است و در این راه جز دو فرسخ، میانه راه آبادی نیست. از دزه به دیر حص یک منزل و میان دزه و دیر حص، بیابانی در مقابل کرکس کویه و سیاه کوه است و دیر حص رباطی است از گچ و آجر که بدرقه سلطان در آن نشیند و منزل مسافران است و زراعت و درخت ندارد و چاهی شور ناآشامیدنی دارد آب آنجا از بارانی است که در دو گودال بیرون دیر فراهم میشود و این دیر بوسیله بیابان احاطه شده است و از دیر حص تا کاج نیز یک منزل است و کاج قریه ای بوده و اکنون ویران شده است و سکنه ندارد و از کاج تا قم یک منزل راه بیابانی است تا

دارد. ضمن اینکه ارتفاعات غربی دیر گچین تا کوه کرکس امتداد دارد و باز جای سوال باقی می ماند.

۱- دزه یا دزاه یا دزک نام منزل و دهکده ای بوده در جنوب ری و بر سر راه ری به دیر گچین و اولین منزلگاه بعد از شهری و روستای مهم ورامین و محل آن باید در محدوده شهر فعلی ورامین باشد.

برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به ری باستان جلد دوم صفحه ۵۳۵.

۲- کاج نام دهکده و منزلگاهی در جنوب دیر گچین و بر سر راه ری به قم و در یک منزلی قم که به کرات در متون دوره اسلامی از آن یاد شده این دهکده اکنون بنام روستای کاج و جزو دهستان قم رود و در ۳۶ کیلومتری شمال شرقی شهر قم قرار دارد.

۳- المسالك والممالک استخری "ذکر بیابان میان فارس و خراسان" صفحه ۱۸۴ تا ۱۸۶.

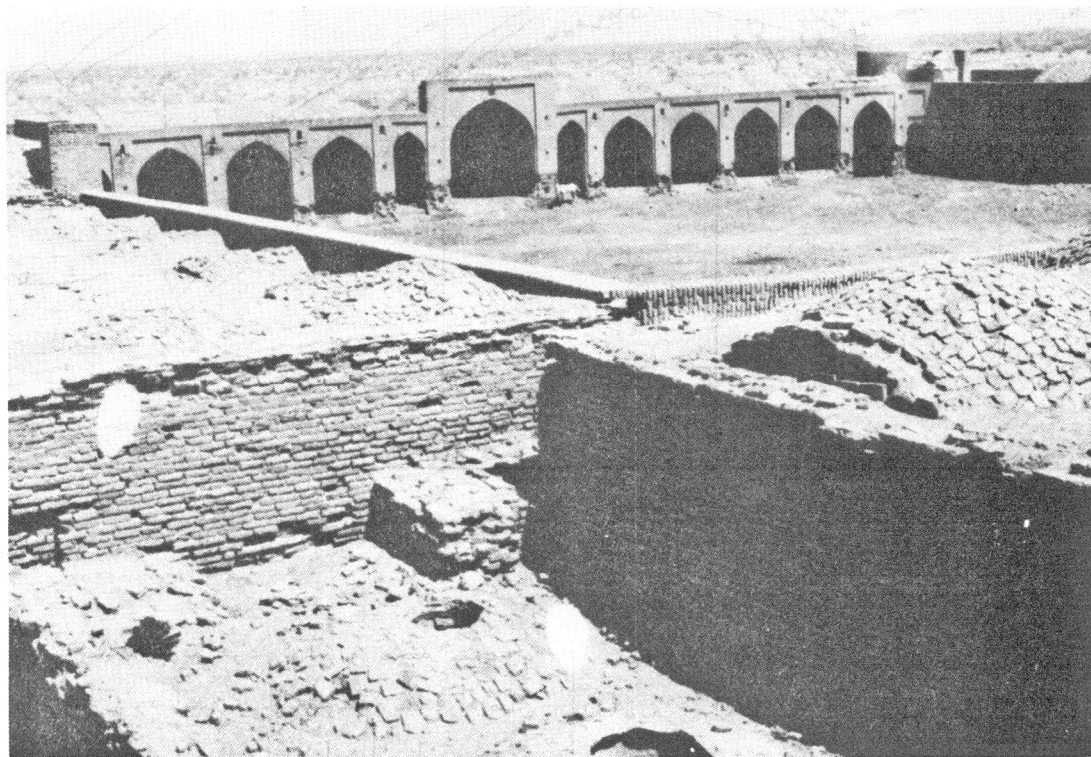
آنجا که در دو فرسخی شهر به قریه‌ای و بخود شهر میرسد .  
 در تاریخ قم که سال ۳۷۸ هـ. ق تالیف شده در ذکر  
 حدود قم از دیر حص نام می‌بردومی‌نویسد: " دیر حص  
 فراپیش قم است . . . در بنا کردن آن آنچ روایت کرده‌اند  
 گفته شود ، چنین گویند که در کتاب سیرملوک عجم مسطور  
 است که ملک روم قومی را از عمالقه از بقایای قوم عاد پیش  
 کسری انوشیروان فرستاده و ایشان را جثه‌های بزرگ و  
 قامت‌های بلند بود چنانچ بعضی مردم که ایشان را خلقی  
 عظیم می‌باشد تشبیه ایشان به قوم عاد می‌کنند و می‌گویند  
 که مردم عاد ی‌اند چون آن طایفه عمالقه پیش انوشیروان  
 آمدند بر دست ایشان دیر حص را در راه قم بنا نهاد و  
 گویند این دیر بیشتر از این زمان بزمانی بعید نهاده‌اند <sup>۱</sup> .  
 و در وصف قم رود می‌نویسد " هرگاه آب رودخانه قم  
 زیاده بر احتیاج ضیعت‌های حوالی قم بودی آن زیاد را بقم  
 روان کردند پس آن آب به قمرود بموضعی که آنرا صحرای  
 مسیله خوانند فرو میرفت . . . بعضی روایت کرده‌اند . . .  
 آب اضافی قمرود و فارس و سنباد می‌رفت تا بیابانی که  
 نزدیک دیر گج است . . . و آنجا سوراخی بزرگ است که  
 آن آب در آنجا می‌رود <sup>۲</sup> .  
 آقای کریمان نیز در وصف نواحی ری به نقل از معجم البلدان ،  
 آثار البلاد قزوینی . . . و نساء الاسحار به شرح این  
 کاروانسرا می‌پردازد که از نکات جدید گفتار نساء الاسحار  
 است . " این دیر را بعهد اسلامی نیز چند تن از بزرگان  
 مورد تعمیر قرار داده‌اند از جمله معین‌الدین مختص الملوک  
 ابونصر کاشی وزیر سلطان سنجر سلجوقی ( ۵۱۱-۵۵۲ هـ. ق )  
 که شرح حال او در نساء الاسحار آمده " و از مشایر ابواب البر  
 آن وزیر رباط قهرود است و رباط احمدآباد و رباط دیر گجین  
 و صلاح راه و شارع دیر گجین که میان ری و قم است به گج

و سنگ و دیه کاج که ملک ابوالعباس ضبی بوده ، وزیر  
 معین‌الدین از ورثه نظام الملک خریده بدان وقف کرده . . . " <sup>۳</sup> .  
 ابن رسته نیز در حدود سال ۲۹۰ هـ. ق در وصف  
 راههای اصفهان به ری از این دیر نام می‌برد و مینویسد:  
 " زمانی که ( مسافر ) از قم بسوی ری خارج میشود باید از  
 قم تا فارس ۸ فرسخ از آنجا تا دیر گج ۹ فرسخ و سپس از  
 دزاه ( حدود ورامین ) و از دزاه تا ری را طی کند <sup>۴</sup> .  
 مقدسی نیز در اواخر قرن چهارم از این مکان بنام  
 دیر حص ( در متن اصلی قصر گج ) یاد می‌کند و می‌نویسد  
 دیر حص: با آجر است و آجرهایش همچون خشتی بزرگ  
 میباشد شهرکی فراخ با آسایش جاها ، با دروازه‌های آهنین  
 است کنار دروازه بقالی هست . انبارهایی گرد در بیرون  
 که آب باران در آنها انباشته میشود ولی من آنها را شکسته  
 دیدم <sup>۵</sup> .  
 و در وصف راه ری به قم می‌نویسد . از ری تا دزه یک  
 مرحله سپس با دیر گج یک مرحله و سپس تا کاج یک مرحله و  
 تا قم یک مرحله <sup>۶</sup> .  
 و در وصف کویر میانه سرزمین‌های عجم می‌نویسد  
 " کویری دراز هست که نه نهر دارد و نه دریاچه و نه روستا  
 و نه شهرک ، ساکنانی اندک و راه‌زنانی بسیار دارد . راههای  
 دشوار " . . . و از کرکس کوه نام می‌برد که کویر روبروی ری  
 بدان منسوب است و راه ری در میان دو کوه کرکس کوه و  
 سیاه کوه می‌گذرد و این دو کوه نزدیک قصر ( دیر ) گج است . <sup>۷</sup>  
 لسترنج به نقل از متون دوره اسلامی و در وصف نواحی  
 جبال ( چهار ناحیه اصفهان-همدان ، ری و کرمانشاه )  
 می‌نویسد: " در حاشیه کویر میان اردستان و کاشان کرکس کوه  
 واقع است که مقدسی آنرا بلندترین کوههای لوت شمرده و  
 پس از آن سیاه کوه که هر چند کوچکتر از کرکس کوه است باز

- ۱- تاریخ قم صفحه ۲۶
- ۲- تاریخ قم صفحه ۴۷ .
- ۳- ری باستان جلد دوم صفحه ۵۵۰ تا ۵۵۵ .
- ۴- الا علاق النفیسه صفحه ۲۲۴ .
- ۵- احسن التقاسیم ، بخش دوم صفحه ۷۲۴ .
- ۶- احسن التقاسیم ، بخش دوم صفحه ۶۰۰ .
- ۷- احسن التقاسیم ، بخش دوم صفحه ۷۱۶ تا ۷۲۱ .



ورودی پشت بام - حیاط مرکزی ▲



فرسایش بام و خوردگی پای دیوارها ▲



هیچگاه از حفظ و تعمیر آنها غفلت نمیشد و بالاخره در این کاروانسرا دکان‌هایی برای فروش خواروبار و دیگر لوازم وجود داشت. حمدالله مستوفی درباره کرکس‌کوه<sup>۱</sup> گوید "مفازهای است به حدود شهر نطنز و با هیچ کوه پیوسته نیست".<sup>۲</sup>

در سفرنامه قم افضل‌الملک از دوره قاجار که متن آن در راهنمای جغرافیای تاریخی قم صفحه ۲۷۷ چاپ شده محل دیر گچین را علی‌آباد قم می‌داند می‌نویسد: "علی‌آباد هم جزء گوگ داغ است. از آثار خبری و نظری چنین معلوم میشود که راه قدیم و جاده سابق از ری به قم و اصفهان از همین جاده بوده است که علی‌آباد جزو منازل این راه محسوب میشده است و سابقاً "این منزل معروف به کاروانسرا سنگی بوده و اکنون هم اثر آن باقی است و صاحب معجم البلدان در لغت گردشیر - با کاف فارسی می‌نویسد که گردشیر قلعه معتبری داشته است و... گردشیر همین علی‌آباد است...". گفتار افضل‌الملک درست نیست اگرچه جای سؤال باقی مانده زیرا بعضی توصیف‌ها از جمله وصف آب‌انبارهای دیر توسط ابودلف که می‌نویسد در میان سنگ حفر شده‌اند و نسائم‌الاسحار که مواد و مصالح بنا را سنگ و گچ ذکر میکند در مورد کاروانسرا سنگی صادق‌تراست تا دیر گچین.

### ● موقع جغرافیای و نقش ارتباطی دیر گچین

این دیر در  $35^{\circ}/4'$  درجه عرض شمالی و  $51^{\circ}/10'$  درجه طول شرقی و در حدود ۳۰ کیلومتری جنوب ورامین و ۶۰ کیلومتری شهرری و از توابع دهستان بهنام وسط‌بخش ورامین استان سمنان فعلی و در جنوب روستای زلف‌آباد و جنوب شرقی کوه مره و در شمال شرقی دریاچه حوض سلطان و در حاشیه غربی کویر بزرگ نمک قرار دارد.

این محل در طول تاریخ جزئی از قلمرو ری باستان محسوب میشده و بر سر راه‌ری و قم بوده است. این دیر در

ناحیه‌ای واقع شده که خود جزئی از یک معبر طبیعی میان شرق و غرب می‌باشد و طی هزاران سال محل رفت و آمد انسانها و کاروانیان بوده است.

این معبر طبیعی از خراسان شروع و به موازات ارتفاعات صعب‌العبور به سمنان و سپس به این ناحیه میرسد، در جنوب این معبر کویر بزرگ نمک واقع است. (نقشه شماره ۲) این معبر در ناحیه ری همانند قوسی به سمت جنوب و رو به ناحیه قم دارد که در غرب آن ارتفاعات ایران مرکزی و در شرق آن دریای نمک قرار دارد و طبیعت در ایجاد این معبر نقش تعیین‌کننده داشته است. این معبر بدلیل داشتن امکانات زیستی مناسب همواره در ادوار پیش از تاریخ مورد سکونت اقوام مختلفی بوده است که اینک با تمدن‌های باستانی چون تپه حصار، چشمه علی، پیشوای ورامین، قره‌تپه قمرود و سیلک مشخص شده‌اند. از آن گذشته این معبر احتمالاً "نقش اساسی در مهاجرت اقوام آسیای مرکزی به نواحی داخلی سرزمین ایران داشته است و بعدها بعنوان یک مسیر ارتباطی که طبیعت آنرا ایجاد نموده بود مورد استفاده ساکنان شرق و غرب قرار گرفت. استقرار مناطق باستانی حصار و پیشوا در شمال و قمرود و سیلک در جنوب این دیر، مسیری را که اینک دیر گچین بر کنار آن برپاست بعنوان حلقه‌ای از این زنجیره ارتباطی جلوه‌گر می‌سازد و قدمت این معبر را تا عصر تمدن‌های تپه‌های حصار و سیلک به عقب می‌برد. و چنانچه فرض شود که این مکان یکی از مسیرهای تجارت سنگ لاجورد بین بدخشان و بین‌النهرین بوده پس میتوان پذیرفت که مکانی که دیر گچین اینک در آن واقع شده شاهد عبور کاروان‌های تجاری در هزاره سوم قبل از میلاد بوده و میتوانسته بعنوان منزلگاهی مورد استفاده قرار گیرد.

در هزاره دوم و اول قبل از میلاد همزمان با توسعه قلمرو دولت‌های آشور و ایلام تا حدود این ناحیه و موج

۱- گفتار حمدالله مستوفی درباره محل کرکس‌کوه در محدوده شهر نطنز با گفته‌های استخری و

این حوقل مغایرت دارد زیرا فاصله دیر گچین با کرکس‌کوه که در غرب شهر نطنز قرار دارد حدود ۲۲۰ کیلومتر است و با فاصله حدود ۵ فرسخی که این حوقل و استخری تا دیر گچین ذکر می‌کنند تفاوت زیاد دارد. و گفته حمدالله مستوفی درباره کوه کرکس که در غرب شهر نطنز قرار دارد صادق است.

۲- جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی صفحه ۲۲۵.

مهاجرت اقوام آریائی از آسیای مرکزی بداخل فلات ایران، این ناحیه می‌بایست اهمیت بیشتری داشته باشد چه این ناحیه محل تجمع خطوط میان شرق و غرب بود و راههای زیر در این محل با هم تلاقی میکردند:

راههای ماوراءالنهر و بلخ از طریق خراسان-سمنان گرمسار به حوزه ری در شمال این ناحیه می‌رسیدند.

همچنین راههای:

الف: بابل، کرمانشاه-همدان، ساوه به ری

ب: خوزستان-فارس-اصفهان-قم به ری

ج: آذربایجان-قزوین به ری

د: سواحل جنوب-کرمان-یزد-کاشان-قم به ری

که در این میان ناگزیر سه راه الف-ب-د- می‌بایست از محل دیرگچین یا محلی مجاور آن به شهرری برسند، ضمن اینکه اگر مقصد شرق بود کاروانیان غرب بدون عبور از ری و از طریق ساوه و قم و از محل دیرگچین به ورامین و گرمسار و سپس به شرق می‌رفتند و یا برعکس.

در دوره ماد و هخامنشی این ناحیه، ارتباط بین ایالت‌های شرقی و شمالی و جنوب و غرب ایران را برقرار می‌ساخت و ظاهراً در این دوره می‌بایست محل دیرگچین و پیرامون آن از نظر دفاعی نیز مطرح باشد.

چون این ناحیه در مرز ایالت مهم ماد بزرگ (همدان-اصفهان-ری و باختران) قرار داشت و مواجه با تهاجماتی بود که توسط اقوام آسیای مرکزی-خراسان و مازندران و گرگان به ناحیه ماد بزرگ صورت می‌گرفت و از این نظر است که دیرگچین از زمان ایجاد تا دوره صفوی جنبه نظامی خود را حفظ کرده است.

در دوره سلوکی-پارتی و ساسانی این ناحیه اهمیت بیشتری یافت و جنبه‌های تجارتی و ارتباطی آن بیشتر مدنظر واقع شد در آن دوران این مکان جزئی از مسیر "جاده بزرگ خراسان" که از تیسفون تا بلخ و سمرقند و بخارا امتداد داشت محسوب میشد و یا بعبارت دیگر جزئی از مهمترین جاده کاروان‌رو و تجارتی جهان باستان یعنی جاده‌ای که در قرن نوزدهم بنام جاده ابریشم نام‌گذاری گردیده بود. این راه بزرگ از پایتخت چین (سیان) شروع و به ختن و کاشغر در غرب چین میرسید و سپس به ناحیه ری و محل دیرگچین رسیده و سپس از ری و یا محل دیرگچین

و از طریق ساوه یا قزوین به همدان-کرمانشاه به تیسفون و بابل و از آنجا به شهر انتاکیه در ساحل دریای مدیترانه منتهی می‌شد.

این محل در عصر اسلام تا پایان دوره صفویه کماکان راهی معتبر و مورد استفاده بود و از این نظر مولفین و جغرافیانویسان دوره اسلامی به کرات از این دیر نام برده‌اند و دیرگچین را یکی از منازل مهم بین قم و ری ذکر کرده‌اند.

ابودلف در قرن سوم اشاره به ویرانی تاسیسات دوره ساسانی توسط اعراب و احیاء مجدد آن دارد که خود گواه وجود سابقه این دیر در دوره ساسانی است.

در قرن چهارم استخری و مقدسی در دوره آل بویه به این دیر اشاره میکنند و آنرا یکی از منزلگاههای مهم میان ری و قم محسوب میکنند و ظاهراً این دوره می‌بایست اوج اعتبار و رونق دیرگچین باشد زیرا در این دوره شهرری بنقل این فقیه، استخری و مقدسی شهر مهم جهان اسلام و مرکز تجارت جهان و در مسیر شاهراه بزرگ تجارت بین شرق و غرب بود.

در قرن پنجم و ششم یعنی دوره سلجوقی نیز این دیر معتبر بود و یکبار نیز توسط وزیر سلطان سنجر به استناد کتاب نسائم الاسحار بازسازی و تعمیر گردید.

در طی قرن هفتم ظاهراً "بعلت تهاجمات مغولان کمتر مورد توجه بوده و نام آن در تالیف مهم حمداله مستوفی یعنی نزهت‌القلوب دیده نمیشود و این خود جای تعجب دارد چه با ویرانی شهرری توسط مغولان، ورامین که در شمال و نزدیکی دیرگچین قرار دارد به جای شهرری نقش ارتباطی، تجاری و جمعیتی این ناحیه را به عهده گرفت که شرح آن در نزهت‌القلوب آمده است این بنا در دوره صفوی مجدداً بازسازی و مورد استفاده قرار گرفت و همراه با انتقال مرکز سیاسی اقتصادی به اصفهان این دیر نیز به ایفای نقش ارتباطی و تجاری بین استان‌های غربی و شرقی و شمالی و جنوبی ایران پرداخت.

ولی بعد از دوره صفوی بعلت نابسامانی اوضاع اقتصادی و سیاسی ایران-تغییر نظام حمل و نقل جهانی و تبدیل خطوط بری به خطوط بحری، خارج شدن ایران از نظام تجارت منطقه‌ای و جهانی و عدم کارآئی سیستم حمل و نقل موجود ایران آنروز بتدریج این مسیر تاریخی و دیر آن

متروک و از نظرها پنهان گردید. در دوره زندیه تا اواسط دوره قاجار نیز کماکان از این مسیر استفاده میشد زیرا در ۵۰۰ متری و در شرق دیر گچین کاروانسرای دیگری نیز که در دوره زندیه یا اوایل قاجار ساخته شده مشاهده میشود که اکنون نسبت دیر گچین ویرانه‌تر است و بدلیل فراوانی اطاق‌های مسکونی نشان میدهد بیشتر مورد استفاده زائران و مسافران بی‌بار و بنه بوده است.

سرانجام این جاده و دیر آن با ایجاد جاده جدید تهران-ری-قم در غرب آن در سال ۱۲۶۴ هـ، متروک گردید و امروز فقط چند خانوار دامدار و شتردار بصورت فعلی و در فصل زمستان تا اواسط بهار از آن استفاده میکنند.

این چند خانوار ساریان و دامدار که از تعدادی اطاق‌های دیر برای سکونت و نگهداری دامهای خود استفاده میکنند کماکان از این راه ارتباطی قدیمی برای عبور و مرور استفاده میکنند و اندک کالا یا موادی را با شتران خود جابجا می‌نمایند.

در گفتگویی که با سالخورده‌ترین فرد آنها صورت گرفت وی خود را از نسل کاروانیان قدیم معرفی نمود که نسل به نسل به این شغل اشتغال داشته‌اند، وی که هنوز خاطره این راه باستانی را بیاد داشت و بارها این مسیر را با شتران خود پیموده بود، منزلگاههای این راه را چنین بیان کرد: از شهر قم تا قم رود یک منزل از قم رود تا کوه سفید (روستای کوه سفید در نزدیکی روستای کاج مورد اشاره مولفین دوره اسلامی) یک منزل و از کوه سفید تا دیر گچین یک منزل و از دیر گچین تا حاجی‌آباد سالار (در دو فرسنگی جنوب غرب ورامین) یک منزل و از حاجی‌آباد سالار تا قرچک یک منزل و از قرچک تا مولوی تهران یک منزل.

گفته‌های نامبرده با گفته‌های استخری، مقدسی و ابن حوقل یکسان است آنها نیز راههای میان قم و ری را چنین بیان کرده‌اند.

از ری تا دزه (حدود ورامین) یک منزل و از دزه تا دیر گچین یک منزل و از دیر گچین تا دیه کاج (در نزدیکی روستای سفیدکوه) یک منزل و از آنجا تا دیه مجوس یک منزل و از آنجا تا قم یک منزل. جالب توجه است که این مسیر تقریباً با محوطه‌های باستانی پیشوا در نزدیکی شرق ورامین، تپه باستانی خماری‌آباد در شمال دیر گچین و قره‌تپه قمرود در جنوب این بنا که تقریباً در یک خط قرار دارند منطبق است.

با توجه به مقدماتی که در این گزارش به آنها اشاره رفت می‌توان گفت که در فاصله میان ری و قم چند راه وجود داشته که راه دیر گچین قدیمی‌ترین و راه فعلی تهران قم جدیدترین آنها است و این چند راه به نقل از تحقیقات انجام شده عبارتند از:

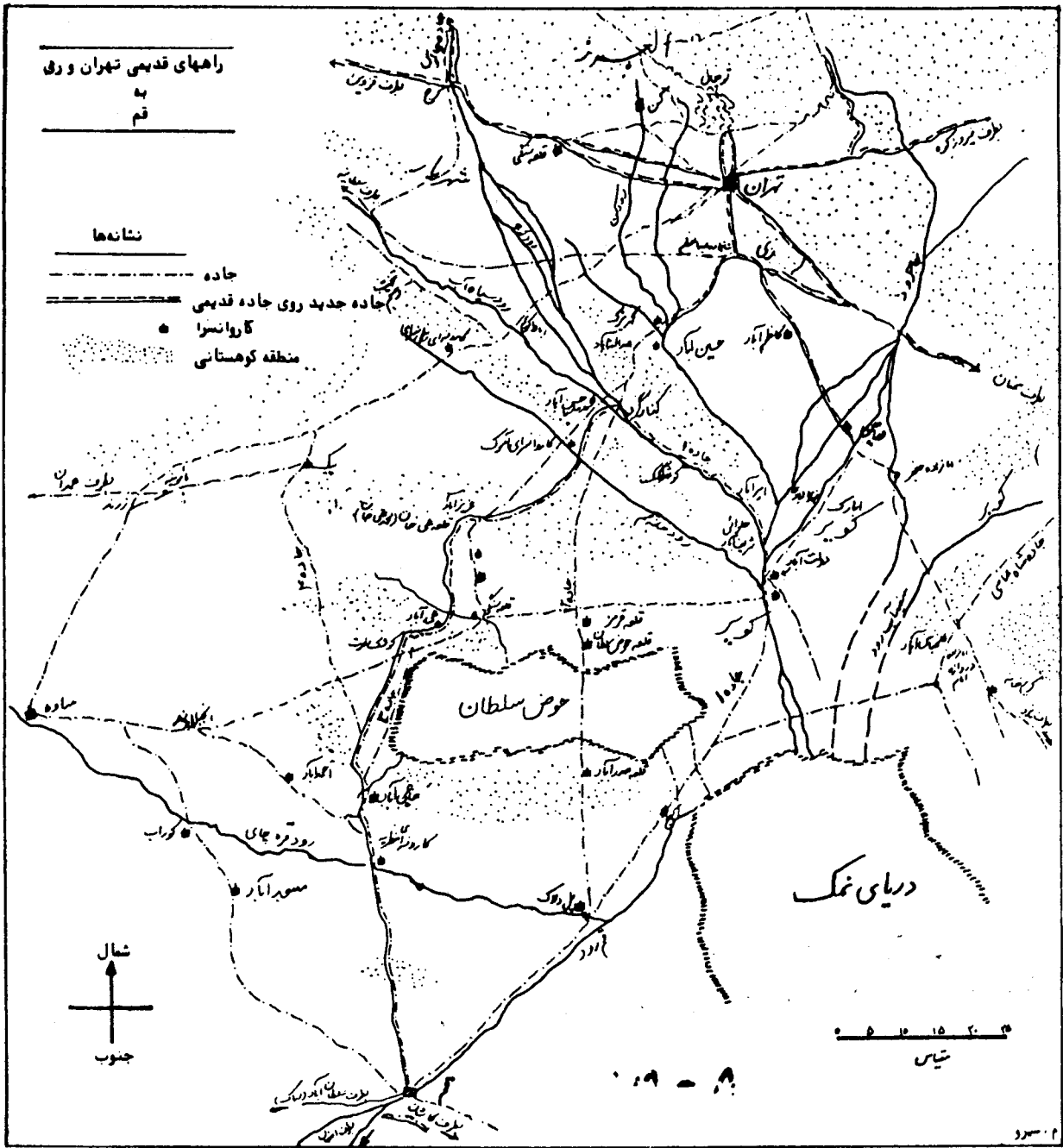
- ۱- جاده شاه عباسی که از گرمسار به کاروانسرای سیاه‌کوه به شمال دروازه امام می‌رسید و از آنجا و از کناره شمالی دریای نمک به پل دلاک و سپس به قم منتهی میشد.
- ۲- جاده باستانی ری-دزه-دیر گچین که در شمال غرب دریای نمک یا جاده شاه عباسی یکی شده و از طریق پل دلاک، کوه سفید، قم رود به قم می‌رفت.
- ۳- جاده ری کهریزک-کنارگرد-قلعه حوض سلطان (در شمال دریاچه حوض سلطان).
- قلعه حیدرآباد در جنوب دریاچه حوض سلطان-پل دلاک به قم.
- ۴- جاده ری-حسن‌آباد-قلعه سنگی-کوشک نصرت-منظریه به قم.
- ۵- جاده فعلی که تقریباً به موازات جاده شماره ۵

۱- قره‌تپه قمرود در فروردین ماه سال جاری (۱۳۶۸) مورد کاوش و تحقیق همکار محترم آقای کابلی قرار گرفت و ایشان در گفتگویی اظهار داشتند قره‌تپه قمرود محوطه‌ایست پیش از تاریخی که قدیمی‌ترین دوره آن به هزاره ششم ق.م و جدیدترین آن به هزاره چهارم ق.م تعلق دارد در ضلع شمالی تپه با لایه‌نگاری که انجام شد به ۸ دوره ساختمانی برخورد گردیده این محوطه در ادوار مختلف تمدنی و فرهنگی با محوطه‌های شناخته‌شده‌ای چون سیلک‌کاشان، لایه دوم چشمه‌علی ری، قره‌تپه شهریار، تپه اسمعیل‌آباد، تپه زاغه دشت قزوین و دلازیان سمنان ارتباط داشته است.

ایجاد شده است. در مورد جاده شماره ۳ لازم به توضیح است که بخشی از آن در زیر آبهای دریاچه حوض سلطان مدفون شده و ظاهراً این مسئله به استناد کتاب کویرهای ایران، راهنمای جغرافیای تاریخی قم و کتاب کاروانسراهای ایران در سالهای قبل از ۱۸۸۵ م (۱۲۶۴ هـ.ق) اتفاق افتاده است. (نقشه شماره ۳)



- احسن التقاسیم فی معرفته الاقالیم. ابو عبدالله ... مقدسی. ترجمه علینقی منزلی، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
- الاعلاق النفیسه ابن رسته، ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- المسالک والممالک ابواسحق استخری بکوشش ایرج افشار تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.
- تاریخ قم. حسن بن محمد بن حسن قمی تصحیح و تحشیه سید جلال‌الدین طهرانی، تهران: مطبعه مجلس ۱۳۱۳.
- ترجمه مختصر البلدان، ابن فقیه، ترجمه ح مسعود، تهران بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شری-گای لسترنج ترجمه محمود عرفان: تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۷.
- سفرنامه ابودلف با تعلیقات و تحقیقات مینورسکی ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۶۰.
- راهنمای جغرافیای تاریخی قم، به کوشش مدرسی طباطبائی، قم، چاپخانه حکمت، ۱۳۵۵، جلد اول.
- دیباچه‌ای بر زمین‌شناسی ایران، محمدحسن نبوی تهران، سازمان زمین‌شناسی کشور، ۱۳۵۵.
- ری باستان، حسین کریمان، تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹، دو جلد.
- صوره الارض، ابن حوقل، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
- فرهنگ جغرافیایی ایران جلد ۱ استان مرکزی، تهران: سازمان جغرافیای کشور، ۱۳۳۰.
- فهرست کاروانسراهای ایران، محمدیوسف کیانی و ... تهران سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، ۱۳۶۲، جلد اول.
- کاروانسراهای ایران و ساختمانهای کوچک میان‌راه‌ها ماکسیم سیرو، ترجمه عیسی بهنام، تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، بی تا.
- کویرهای ایران، سون هدین ترجمه پرویز رجیبی، تهران: توکا، ۱۳۵۵.
- محله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۴ پاییز و زمستان ۱۳۴۸، مقاله دژ کردشیر.
- نزهه القلوب، حمداله مستوفی، باهستام و تصحیح گای لسترنج، لیدن: ۱۹۱۵.



نقشه شماره ۳